

میلیون ها رأی دهنده هم چوب را خوردند و هم پیاز را!

(به مناسبت انتخابات - ۵)

کمیته هماهنگی

دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۸

خیابان های تهران و چند شهر دیگر به صحنه جنگ و گریز معترضان به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری با نیروهای سرکوبگر تبدیل شده است. شعار اصلی معترضان به تقلب در انتخابات، «مرگ بر دیکتاتور» است که اکنون دیگر با وضوح و روشنی بسیار بیشتری می توان دید که منظور آنان فقط احمدی نژاد نیست. خبرهای تأیید نشده ای از کشته شدن چند نفر از مردم در جریان این جنگ و گریزها شنیده می شود. حتی اگر این خبرها نیز صحت نداشته باشند، در یک نکته هیچ تردیدی نیست و آن ضرب و شتم و دستگیری و سرکوب وحشیانه تظاهرکنندگان همراه با ایجاد فضای رعب و وحشت است. از سوی دیگر، تظاهرکنندگان چندین پاسگاه پلیس، بانک، اتوبوس شرکت واحد، ایستگاه اتوبوس، کیوسک تلفن و... را به آتش کشیده و تخریب کرده اند. آنان همچنین در مواردی با سنگ و چوب به سرکوبگران حمله کرده اند و، با ساختن باریکاد و آتش زدن لاستیک و ظروف زباله شهرداری، منطقه وسیعی از تهران (خیابان های ولی عصر، فاطمی، تخت طاووس، عباس آباد، میرزای شیرازی، قائم مقام فراهانی، ونک، کریم خان زند، تخت جمشید، حافظ، فلسطین، انقلاب و...) را به میدان یک جنگ واقعی با نیروهای سرکوبگر تبدیل کرده اند. احساسات تظاهرکنندگان را از همین برخورد قهرآمیز به خوبی می توان درک کرد. آنان احساس می کنند که فریب خورده اند و تحقیر شده اند. پی برده اند که رئیس جمهوری اسلامی از قبل تعیین شده بوده و رأی گرفتن از آنان صرفاً یک بازی نمایشی بوده است. خلاصه آن که خشم تظاهرکنندگان از اینجا ناشی می شود که احساس می کنند برای گرم کردن تنور انتخابات مورد استفاده ابزاری قرار گرفته اند.

به جرأت می توان گفت که آنچه مردم در جریان حوادث چند روز گذشته در مورد انتخابات آموختند با سال ها تبلیغ علیه این پدیده دنیای سرمایه داری به دست نمی آمد. میلیون ها مردم با دنیایی توهم در مورد انتخاب بد در مقابل بدتر پای صندوق های رأی رفتند و رأی دادند. اما نه فقط اجازه انتخاب بد در مقابل بدتر را به آنان ندادند بلکه اعتراض آنان با باتوم و گاز اشک آور و اسپری فلفل و زندان و چه بسا گلوله رو به رو شد. اکنون دیگر بسیاری از آنان که در انتخابات شرکت کردند آن گونه که خود می گویند پشت دستشان را داغ می کنند که دیگر در هیچ انتخاباتی شرکت نکنند. انتخابات - چنان که قبلاً گفته ایم - حتی در شرایط دموکراتیک نیز قرار نبوده و نیست که مطالبات مردم را برآورده کند. اما در این شرایط دست کم اجازه انتخاب بد در مقابل بدتر را به رأی دهندگان می دهند. در حالی که در جهنم استبدادی سرمایه داری ایران حتی این اجازه نیز به رأی دهندگان داده نشد. اکنون رأی دهنده ایرانی مصداق کامل و بارز کسی است که هم چوب را خورده و هم پیاز را. به حال چنین کسی، به ویژه اگر کارگر باشد، باید تأسف خورد. و این تأسف فقط آنگاه منتفی می شود که این کارگر به جای شرکت در انتخابات شورای خود را تشکیل دهد و قدرتمندانه پرچم مطالبات ضد سرمایه داری خود را در مقابل نظام حاکم برافرازد.

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۲۴ خرداد ۱۳۸۸

www.hamaahangi.com

khbitkzs@gmail.com